

DEBATING ZIMBABWE'S LAND REFORM

اصلاحات ارضی زیمبابوه

فاطمه شاه آبادی

شونا (Shona) و اندبله (Ndebele) برای بازپس گیری زمین هایشان با رژیم استعماری آن زمان یعنی رودژیا (Rodehsia) به مقابله پرداختند ولی به علت مجهز بودن اروپائیان به سلاح گرم از آنها شکست خورده و سفیدها معادن و زمین های آنها را به غنیمت گرفتند، به طوری که نیل توماس در مقاله خود ادعا کرد زمین ها توسط سفیدها از صاحبان سیاه پوستشان دزدیده شد.

جنگ دوم: بین سال های ۱۹۶۵-۱۹۸۰ سفیدها قوانین تبعیض آمیز اجتماعی و اقتصادی ای را اعمال کردند که موجب تسلط سفیدها و فقر هرچه بیشتر سیاهان می شد. این موضوع باعث درگیری های سیاسی و نظامی سیاهان علیه سفیدها و با هدف بازپس گیری زمین بود. به طور کلی می توان ادعا کرد که جنگ برای استقلال زیمبابوه از جنگ برای زمین شروع شد؛ استقلال و اصلاحات ارضی دو جز جدایی ناپذیر برای زیمبابوه باقی ماندند.

در سال ۱۹۷۹ دولت آمریکا و بریتانیا برای پایان دادن به جنگ مذکور مجبور به مذاکره با سیاهان شدند که منجر به استقلال زیمبابوه شد.

رابرت موگابه (Rober Mugabe)، رئیس جمهور پیشین کشور زیمبابوه را شاید بتوان جز یکی از غرب ستیزان در قاره آفریقا دانست که در مقابل اروپا به خصوص انگلستان و در مقابل آمریکا ایستاد. یکی از مهمترین مسائل و موضوعاتی که موجب شد زیمبابوه در مقابل انگلستان و فشار آمریکا ایستادگی کند، اصلاحات ارضی ست که در حال حاضر هنوز هم یکی از موضوعات مورد بحث در این کشور می باشد.

کشور زیمبابوه تا سال ۱۹۸۰ مستعمره انگلستان بوده است و تا قبل از ورود سفیدها به این قاره، سیاهان مالک زمین های حاصلخیز، مراتع و جنگل ها بودند، اما سفیدپوستان پس از ورود، زمین های حاصلخیز و کشاورزی را تصاحب کرده و سیاهان را به مناطقی دور که زمین های چندان مرغوبی نداشت فرستادند. اکثر جمعیت سیاه پوستان عامدانه از طریق سرکوب، تبعیض و خشونت به حاشیه سرزمین فرستاده شدند و عده ای نیز به کارگری برای سفیدها مشغول شدند.

جنگ اول: بین سال های ۱۸۹۶-۱۸۹۷ دو قبیله اصلی زیمبابوه یعنی

ZIMBABWE NATIONAL WAR
VETERAN! BLACK POWER
BASE FOUR L.

BLACK POWER
FARM.



گروه اول می گویند که بنا بر شواهد، زمین ها بین اطرافیان موگابه، نخبگان سیاسی، سران حزب زانو پی اف (ZANU-PF)، نظامیان و گروه های امنیتی تقسیم شده و حتی باعث به وجود آمدن طبقه ای اجتماعی به نام «طبقه میانی» شدند که قدرت بالایی بر اثرگذاری در تصمیم گیری های مهم این کشور دارند.

گروه دوم نیز با ارائه آمار و ارقام مدعی هستند که بخش زیادی از زمین ها بین مردم عادی به طور مساوی تقسیم شده است و بسیاری از مردم در مناطق پیشین سکنی گزیده اند.

به هر حال شرایط کنونی این کشور دلیل بر این مدعاست که بخش زیادی از زمین ها در دست نخبگان مفسدی هستند که تاثیر گذاری سیاسی و اقتصادی زیادی داشته و از طریق روابط قدرتمندی که در بدنه دولت دارند بر جنبه های سیاسی و اقتصادی این کشور تاثیر گذارند. علاوه بر این همچنان کشاورزان و کارگران بسیاری وجود دارند که در فقر به سر برده و شرایط مساعدی برای زندگی ندارند.

نگاه کلی دلیل بر این مدعاست که دولت در توزیع زمین بین مردم عادی به دلیل حرص و طمع عده ای از سیاسیون و نداشتن برنامه ای منسجم برای تقسیم زمین ها با شکست مواجهه شد و زمین هایی که با سختی از سفیدها باز پس گرفته شده نه تنها موجب بهبود اوضاع اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی این کشور نشد بلکه به ادعای برخی از منتقدان کشور زیمبابوه را به افول کشانید؛ چرا که پس از بیرون راندن سفیدپوستان از مزارع، زمین های تجاری و معادن، کشورهای اروپایی به خصوص انگلستان از دادن کمک های مالی به این کشور خودداری کرده و روابط اقتصادی خود را کاهش و حتی قطع کردند.

در لانکستر هوس (Lancaster House) در بریتانیا مقرر شد که دولت بریتانیا با پرداخت وام به دولت تازه مستقل شده زیمبابوه به آن کمک کند تا زمین ها را از سفیدها خریداری نمایند. بریتانیا در یکی از بندهای این قانون عبارت «مشتاقان فروش و مشتاقان خرید» را گنجانده که باعث شد تا ده سال پس از استقلال زیمبابوه؛ زمین ها فقط از سفید پوستانی که تمایل به فروش داشتند خریداری شود.

این مسئله باعث شد که موضوع زمین تا سال ۱۹۹۰ حل نشده باقی بماند و پس از آنکه مارگارت تاچر اعلام کرد که دولت بریتانیا دیگر نمیتواند بودجه ای برای خرید زمین تامین نماید. این ادعا و همچنین عدم کمک های بین المللی باعث شد تا دولت موگابه تصمیم به اتخاذ اجباری زمین ها بگیرد (Land Acquisition Act) که در طی ده سال دولت موفق شد مقداری از زمین های تجاری را از سفیدها باز پس بگیرد. اما در سال ۲۰۰۰ برای سرعت بخشیدن به قانون بازپس گیری زمین، دولت موگابه برنامه بازپس گیری سریع (FTLRP) را آغاز کرد که موجب شد کشاورزان تحت فرمان و هدایت فرماندهان نظامی و سران احزاب و سایر سران سیاسی کشور به مزارع سفید پوست ها حمله کرده و حتی با کشتن تعدادی از آنها بخش اعظمی از مزارع کشاورزی و تجاری را پس بگیرند. اما پس از بازپس گیری مزارع به کشاورزان و مردم عادی گفته شد تا زمین ها را به نظامیان و سران کشور واگذار کنند تا مراحل تقسیم زمین ها انجام شود.

پس از وقوع برنامه بازپس گیری سریع، عده ای این کار را به شدت نقد کرده و عواقب بسیار منفی آن را بر شمردند و عده ای نیز آن را یک موفقیت دانستند.

THIS IS OUR LAND, OUR ONLY LAND!



و موجب پیشرفت و توسعه این کشور شود. برخی دیگر از محققان ادعان دارند که برنامه اصلاحات ارضی اگرچه موجب پیشرفت کشور نشد اما حداقل باعث شد که سیاهان بتوانند دوباره مالک زمین های خویش باشند.

به طور کل در بحث اصلاحات ارضی زیمبابوه به این نکته باید توجه کرد که تنها سیاست های داخلی دولت زانو پی اف در این امر دخیل نبوده و فشارها، بد عهدی ها و کناره گیری بسیاری از کشورها و تحریم ها نیز اثرات مهمی داشته است.

و در آخر باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از دانشمندان و محققان درمورد لزوم اصلاحات ارضی و بازپس گیری زمین ها اتفاق نظر دارند اما اکثر این افراد به جای پرداختن به خود برنامه به نقد روش هایی که اصلاحات ارضی اعمال شد، پرداخته اند.

تحریم ها به دلیل خشونت علیه حقوق بشر، خشونت های حزب حاکم یعنی زانو پی اف و ناتوانی دولت در اجرای سیاست های داخلی، علیه این کشور اعمال شد و موجب شد تا زیمبابوه نتواند بخش کشاورزی خود را بازسازی کند و اشتیاق گروه های بین المللی هم برای سرمایه گذاری در این کشور بعد از سال ۲۰۰۰ به شدت کاهش یافت. این امر به تدریج موجب منزوی شدن زیمبابوه در عرصه بین المللی گشت. در مجموع باید گفت که زمین یکی از اصلی ترین و مهمترین مسائل بعد از استقلال زیمبابوه بوده که تاثیرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مهمی در این کشور داشته است.

برخی از محققان معتقدند بازپس گیری زمین از سفیدها و توزیع زمین در بین نزدیکان موبابه یک اشتباه در اصلاحات ارضی این کشور بود؛ چرا که برنامه توافق شده در لانکستر هوس این فرصت را برای زیمبابوه فراهم میکرد تا به تدریج سیاه پوستان را به داشته های خود بازگردانده

